



پنجشنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۲ تهران ۱۰:۴۶

گزارش و تحلیل

رازگشایی از قطعه ۴۱ بهشت زهرا؛ مرموزترین مدفن اعدام‌شدگان جمهوری اسلامی

۱۶/۱ خرداد/۱۴۰۲

رادیو فردا

قطعه ۴۱ در بهشت زهرا قطعه‌ای است تقریباً یکسان شده با خاک که مدفن شمار نامعلومی از اعضای گروه‌های سیاسی مانند فرقان و سازمان مجاهدین خلق، افراد دخیل در کودتای نوژه و برخی ثروتمندان است که اوازل انقلاب اعدام شدند.

این قطعه هم با دوربین‌ها و هم با نیروی انسانی به‌طور شبانه‌روزی مراقبت و نظارت می‌شود؛ قطعه‌ای که برخی آن را «قطعه اعدامی‌ها» نامیده‌اند و برخی از آن به «لعنت‌آباد» یاد می‌کنند، اما در میان مسئولان بهشت زهرا به نام دیگری هم مشهور است: «قطعه سوخته».

شکستن سنگ‌ها، پنهان کردن آدرس قبرها، از بین بردن نشانه‌ها، سوزاندن برخی درختان و گیاهان، ایجاد اختلاف سطح و از همه عجیب‌تر دستکاری تدریجی در تغییر ردیف درختان از جمله مواردی هستند که در دهه‌های اخیر در قطعه ۴۱ بهشت زهرا جریان داشته است.

هرچند انجام تحقیقات میدانی برای رازگشایی از این قطعه با موانع و مشقت‌های بسیار روبه‌رو بوده، گروه پژوهشی «راست‌یاد» با تحقیق میدانی و غیرمیدانی و استفاده از انواع روش‌ها به نشانه‌ها و مدارکی دست یافته است که گزارش کامل آن را به قلم مسئول تحقیقات میدانی این گروه به‌طور اختصاصی در رادیو فردا می‌خوانید.

قطعه ۴۱؛ زخم همیشه باز بهشت زهرا

قطعه ۴۱ بهشت زهرا قطعه‌ای است مخروبه و تقریباً با خاک یکسان شده که درست روبه‌روی یکی از سرسبزترین قطعات قرار دارد، یعنی قطعه ۲۴؛ جایی که محمود طالقانی و مصطفی چمران در آن دفن شده‌اند و اولین قطعه‌ای که در ردیف «قطعات شهدا» ثبت شد.

برخی قطعه ۴۱ را «قطعه اعدامی‌ها» و بعضی هم «لعنت‌آباد» می‌نامند، با این حال بین کارکنان و مسئولان بهشت زهرا به نام دیگری مشهور است. طی سال‌های گذشته شایعات بسیاری در مورد این قطعه مطرح شده است، از دفن و سپس نبش قبر برخی اعدام‌شدگان و انتقال آن‌ها به خاوران گرفته تا وجود قبور خالی و حتی گور دسته‌جمعی؛ اغلب هم بدون ارائه سند یا مدرک. به همین دلیل تصمیم گرفتیم تحقیقی مستند و با مدارک کافی در مورد این قطعه انجام دهیم.

در ابتدا فکر نمی‌کردیم قطعه ۴۱ جایی در تحقیق ما در مورد اعدام‌شدگان سال ۱۳۶۰ داشته باشد، اما بعداً به مهم‌ترین قطعه و سپس بزرگ‌ترین علامت سؤال ما تبدیل شد.

بر اساس روال دفن در بهشت زهرا، متوفیان سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ باید در این قطعه دفن می‌شدند، اما با وقوع انقلاب در سال ۱۳۵۷ روند تدفین در این قطعه عوض شد. البته قطعه ۴۱ «متوفی عادی» کم ندارد، با این حال بین اسامی موجود در وب‌سایت جست‌وجوی اموات بهشت زهرا و ظرفیت واقعی این قطعه فاصله زیادی به چشم می‌خورد؛ حدود چهار هزار اسم.

بیشتر در این باره:

اعدام‌های سال ۱۳۶۰؛ غبارروبی از یک پرونده فراموش‌شده

اسامی بسیاری از اعدام‌شدگان سال ۱۳۶۰ از سایت «جست‌وجوی اموات» بهشت زهرا حذف شده، اما نه تمام آن‌ها. در میان اسامی استخراج‌شده از این سایت (تا قبل از هک شدن سایت شهرداری تهران در خرداد ۱۴۰۱) ۶۸ متوفی سال ۱۳۶۰ را ثبت کردیم. ابوالقاسم خادم احمدآبادی جزو آن‌هاست که پس از اعدام به اتهام شرکت در «قیام نقاب» موسوم به «کودتای نوژه»، ۱۹ مرداد ۱۳۶۰ در این قطعه دفن شده است. در تحقیقات میدانی نیز از سنگ‌قبر حدود ۳۰ نفر از اعدام‌شدگان سال ۱۳۶۰ عکس گرفتیم که از بین آن‌ها می‌توان به آریا الوندپور و حمیده منافی دریانی اشاره کرد.

بر اساس اسامی مندرج در سایت بهشت زهرا، علاوه بر متوفیان سال ۱۳۶۰، یک نفر متوفی ۱۳۶۸، یک نفر متوفی ۱۳۶۷، یک نفر متوفی ۱۳۶۶، یک نفر متوفی ۱۳۶۵، یک نفر متوفی ۱۳۶۱، ۶۹۸ نفر متوفی سال ۱۳۵۹، ۴۴۶۴ نفر متوفی سال ۱۳۵۸، ۱۳۷ نفر متوفی سال ۱۳۵۷ و ۷ نفر متوفی مربوط به سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ نیز در این قطعه دفن شده‌اند. در مجموع پنج هزار و ۷۳۹ اسم از متوفیان دفن‌شده در این قطعه از سایت بهشت زهرا استخراج شده است. در مورد متوفیان پس از ۱۳۶۰ و قبل از ۱۳۵۷، اشتباه در نوشتن و یا تایپ اسامی محتمل است.

بر اساس مستندات، این قطعه مدفن اعدام‌شدگانی از اعضای گروه‌های مختلف مانند فرقان و سازمان مجاهدین خلق، نظامیان و غیرنظامیان دخیل در کودتای نوژه، ثروتمندان (به‌اتهام آن‌چه جمع‌آوری مال حرام یا افساد فی‌الارض خوانده می‌شد) و بازاریان متمول با گرایش‌های سیاسی مخالف حکومت است.

احتمال داده شده که برخی از سناتورهای، وزرا، فرمانداران، شهرداران و نظامیان ارشد حکومت پهلوی نیز در این قطعه دفن شده باشند، اما تاکنون به سندی در این مورد دست پیدا نکرده‌ایم. مدتی است سندی به‌عنوان جواز دفن خانم فرخ‌رو پارسا در قطعه ۴۱ در برخی وب‌سایت‌ها به چشم می‌خورد، اما اثبات اصالت آن فعلاً ممکن نیست.

در ۷۵ درصد سمت راست قطعه تنها سه سنگ‌قبر مشاهده می‌شود که یکی از آن‌ها شکسته است: شهره احتیاطی (۱۳۵۲-۱۳۵۸)، محمد... (سنگ شکسته، ۱۳۵۶-۱۳۵۸) و لیلا نوروزی‌فرد (۱۳۵۷-۱۳۵۸). دفن آن‌ها مربوط به زمانی است که دستکاری در ردیف درخت‌های کاشته‌شده در داخل قطعه شروع نشده بود. در مورد نوع دستکاری و دلایل این کار در ادامه مطلب توضیح داده خواهد شد.

به نظر می‌رسد تعمیدی در کار است برای این که قطعه ۴۱ به شکل فعلی باقی بماند و اوضاع سطح خاکی، قبرهای در حال ریزش و سنگ قبرهای شکسته هر روز بدتر از قبل شود. با این حال علت اصرار به مخروبه باقی ماندن و نصب و افزایش هر روزه ابزارهای نظارتی در این قطعه مشخص نیست.

در بین سنگ‌قبرهایی که تصاویر آن‌ها ثبت شده، متوفیان و اعدام‌شدگان ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ کمترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند. میان اعدام‌شدگان مرتبط با کودتای نوژه نیز سنگ‌قبر سرهنگ حسین مصطفوی، به دلیل دهه‌ها قرارگرفتن در زیر خاک، کاملاً سالم باقی مانده بود. مطابق انتظار، اسم او نیز در میان اسامی سایت جست‌وجوی اموات موجود نبود.

به دلیل شکستن پی‌درپی سنگ‌قبرها، خانواده‌ها روش‌هایی برای مشخص کردن جای دفن عزیزان‌شان ابداع کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به کار گذاشتن یک تکه سنگ لحد، نوشتن نام و نام خانوادگی کامل یا حروف اول نام و نام خانوادگی روی ملات در حال خشک شدن، تهیه یک قاب از قرنیز برای سنگ‌قبر، جوشکاری مشخصات متوفی روی یک تکه ورق یا جوشکاری حروف اول نام و فامیلی با پروفیل فلزی و قراردادن آن روی قبر و... اشاره کرد.

در این قطعه سنگ‌قبر سالم به ندرت مشاهده می‌شود، اما هنوز وجود دارد.

حسنعلی صفایی (اعدام‌شده سال ۱۳۶۰)، عباس کحالی (۱۳۰۴-۱۳۵۸)، عبدالحسین مهنما (۱۳۲۸-۱۳۶۰)، اشرف‌السادات جلالی (۱۳۳۹-۱۳۶۰)، ایرج درخشنده (۱۳۲۳-۱۳۵۹)، بهرام حسنی (۱۳۴۱-۱۳۶۰)، سیاوش پاک‌بین (۱۳۱۵-۱۳۶۰) و صفر زارعی (۱۳۴۰-۱۳۶۰) از این جمله‌اند.

وجود قبر چند نفر همچون فریبا شفیعی (۱۳۴۳-۱۳۶۰) و مریم مواسات (۱۳۴۲-۱۳۶۲) از موارد سؤال‌برانگیز این قطعه است. معلوم نیست چرا دو دختر ۱۷ و ۱۸ ساله در این قطعه و کنار اعدام‌شدگان خاص، مهم و یا مورد غضب نظام دفن شده‌اند.

همچنین مشخص نیست چرا تاریخ اعدام مریم مواسات روی سنگ، به اشتباه یا شاید عمداً (احتمالاً برای جلوگیری از شکسته شدن)، ۱۳۶۲ درج شده است.

روش‌های تخریب سنگ‌قبرها

در این قطعه برای تخریب سنگ‌ها از روش‌های مختلفی استفاده شده است. بسیاری را کلاً از جا کنده و از قطعه خارج کرده‌اند. برخی از سنگ‌ها یا با ضربات پتک شکسته شده‌اند و یا با ریختن رنگ روغنی غلیظ و یا قیر روی آن‌ها غیرقابل خواندن شده‌اند.

ضربات سنگین پتک باعث شده حتی سیمان دور سنگ‌ها هم ترک بردارد. تکه‌های سنگ‌قبر را پس از شکستن و خردکردن از قطعه خارج می‌کنند. موارد استفاده از آن‌ها هرچه باشد، خارج از قطعه ۴۱ است نه داخل آن.

برخی از قبرها در حال ریزش هستند و بعضی نیز به وضوح فرو ریخته‌اند.

به تازگی نیز از دو قبر به طور کامل فروریخته عکس گرفته‌ایم که آن‌ها را با سنگ لحد و خرده‌سنگ‌های جمع شده از دیگر قطعات پر کرده‌اند.

وضعیت قطعه ۴۱ از بالا

قدیمی‌ترین عکس ماهواره‌ای از این قطعه یک عکس ناقص است که آن را بلااستفاده کرده، اما دومین تصویر ماهواره‌ای مربوط به ۱۵ خرداد ۱۳۸۱ است که کیفیت مناسبی از لحاظ نور و وضوح دارد. در این تصویر با اندازه‌گیری دقیق چهار ضلع قطعه ۴۱ مشخص شد که مساحت کامل آن ابتدا ۱۰۶۵ هکتار بوده که بین روزهای ۱۵ خرداد ۱۳۸۴ تا ۳۱ تیر ۱۳۸۶ با تسطیح و حذف مساحتی تقریباً ۳۵۰۰ متری و تبدیل آن به پارکینگ، مساحت این قطعه به حدود ۱۰۳ هکتار تقلیل پیدا کرده است (هر هکتار معادل ۱۰ هزار متر مربع است).

برای مدتی هم اتفاقی در این پارکینگ بود که در حال حاضر تخریب شده اما ردّ خراشیدگی و کندن زمین، احتمالاً به قصد کار گذاشتن داکت و عبور دادن کابل از آن تا نزدیکی سرویس بهداشتی قطعه، مشهود است. اتفاقی شبیه به آن هم سال‌هاست که با دو سه متر فاصله با سرویس بهداشتی قطعه، چسبیده به دکل BTS، کنار آن ساخته شده است.

اظهار نظر قطعی در مورد قسمتی که تبدیل به پارکینگ شده، به دلیل این که عکسی از قبل از سال ۱۳۸۱ در دست نیست، غیرممکن است. با احتساب مساحت هر قبر (حدود دو متر مربع) این منطقه ظرفیت حداقل ۱۷۰۰ تا ۱۸۰۰ قبر را داشته است.

تشخیص این که جنازه‌ای در این منطقه قرار دارد یا نه، نیازمند حضور یک تیم پزشکی قانونی با پرسنل و لوازم کافی همراه با اختیارات کامل است. تحقق هیچ‌یک از این موارد تا زمانی که حکومت فعلی در ایران بر سر کار است، احتمالاً ممکن نخواهد بود.

سرویس بهداشتی قطعه تنها ساختمانی است که نه تنها تخریب نشده بلکه نوسازی هم شده است. همچنین در تصاویر قدیمی ساختمانی به مساحت تقریبی ۱۴۰ متر مربع با کاربری نامشخص داخل قطعه وجود داشت که قبل از تسطیح قسمت تبدیل شده به پارکینگ تخریب شد.

نظارت دائم بر داخل و خارج از قطعه ۴۱

برای عکس گرفتن از سنگ قبرها نیاز به تمیزکردن و کنار هم قراردادن قطعات شکسته داشتیم، اما به دلیل این که زمان بسیار کمی برای عکس گرفتن در اختیار داشتیم، انجام این کار ممکن نبود. داخل قطعه زیر نظارت حداقل ۸ دوربین بودیم که دو به دو در چهار گوشه قطعه نصب شده بودند.

خارج از قطعه، بیشترین دوربین در بلوار بین قطعات ۲۴ و ۴۱

قرار گرفته که از کنار منبع آب قطعه ۴۳ تا جنب ساختمان

سرویس بهداشتی قطعه ۴۱ حداقل ۱۲ دوربین و حداکثر ۱۷ دوربین در این بلوار نصب شده‌اند. بنا به مناسبت‌های مختلف مذهبی یا تاریخی، تعداد دوربین‌ها کم و زیاد می‌شود. از این تعداد، چهار دوربین به طور ثابت و دائم ناظر بر داخل قطعه ۴۱ هستند.

در خیابان بین قطعات ۴۱ و ۳۸ نیز چهار دوربین دائماً ناظر بر داخل قطعه ۴۱ هستند، ضمن این که در دو سر این خیابان بین چهار تا هفت دوربین نظاره‌گر فعالیت‌های اطراف قطعه ۴۱ هستند. تغییر تعداد دوربین‌های این خیابان هم بر اساس مناسبت‌هاست.

دوربین‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- ثابت و دارای پوشش ضدضربه ۲- ترافیکی در ارتفاع بالا با میدان دید ۳۶۰ درجه. یکی از دوربین‌های ترافیکی واقع در خیابان بین قطعات ۳۸ و ۴۱، برای افزایش وضوح تصویر، در ارتفاع حدوداً چهار متری نصب شده است.

مراقبان قطعات حساس

با واگذاری حفاظت فیزیکی بهشت زهرا از دژبان ارتش به یگان فاتحین سپاه، تمام چهارراه‌ها و خیابان‌های منتهی به قطعه ۴۱ به دوربین مجهز شده‌اند. در ظاهر مسئولیت مرکز نظارت بر تصاویر دوربین‌ها با واحد حراست بهشت زهراست، اما این واحد زیر نظر واحد مهم‌تری به نام «امنیت حرم» است که وظیفه‌اش تأمین امنیت و جلوگیری از جمع‌آوری اطلاعات از محل دفن آیت‌الله خمینی و قطعات حساس بهشت زهرا همچون ۳۳، ۴۱ و ۹۳ است. با این حال حساسیت در مورد حضور افراد در قطعه ۳۳ به وضوح کمتر از دو قطعه دیگر است.

جدا از دوربین‌ها و مأموران حراست و امنیت حرم، پرسنل واحد «انضباط شهری» هم مراقب ورود به این قطعات و مانع فیلمبرداری و عکاسی از آن‌ها هستند. در دوران قرنطینه و دفن بیماران مبتلا به کرونا، همچنین دفن اعدام‌شدگان مربوط به اعتراضات بعد از ۱۳۹۶، پرسنل این واحد با حضور در میان تشییع‌کنندگان از فیلمبرداری بستگان متوفی از مراسم ممانعت می‌کردند. حفاظت فیزیکی بهشت زهرا نیز در زمان تحقیق ما بر عهده سربازان دژبان مرکز ارتش بود.

تخریب وسیع سطح قطعه کار ثبت مکان قبور را تقریباً غیرممکن کرده بود. به دلیل خطای ۱۰ تا ۱۵ متری GPS تجاری که روی گوشی‌های همراه وجود دارد و ریسک بالای استفاده از دستگاه‌های حرفه‌ای، ناچار شدیم برای ثبت مکان هر قبر، از چند نرم‌افزار کامپیوتری و اپلیکیشن‌های مختلف استفاده کنیم. با این حال نمی‌توانیم بگوییم به اندازه دیگر قطعات بهشت زهرا، در قطعه ۴۱ هم دقیق بوده‌ایم.

فرونشست قطعه و ریزش قبور

در بهشت زهرا، اگر روی بسیاری از سنگ قبرها با انگشت یا سنگ‌ریزه ضربه‌ای بزنید، خالی بودن زیر آن‌ها را حس می‌کنید. دلیل این امر وجود فاصله بین سنگ قبر و خاک زیر آن به دلیل تجزیه جسد و ریزش ذرات خاک از میان خشت‌های سیمانی به پایین به خاطر پرکردن فاصله ایجاد شده است.

بیشتر در این باره:

جمهوری اسلامی و شیوه حکومت بر قبرستان‌ها

در مورد قبرهای بدون سنگ قطعه ۴۱، به علت بیش از چهار دهه تخریب سنگ‌ها و سطح قطعه، وزش هر بادی سبب پخش شدن خاک قبرها به اطراف می‌شود. همین امر باعث شده، برعکس دیگر قطعات، سطح این قطعه پایین‌تر از خیابان باشد. به دلیل کم شدن خاک روی قبرها، گود شدن آن‌ها کاملاً مشهود است.

سیمان کاری کف قطعات بهشت زهرا به این دلیل است که سطح خاکی قطعات، با وزش باد و طوفان و بارش‌های مختلف، پراکنده نشود و پایین نرود. در قطعه ۴۱ از سنگ قبر و سیمان کاری خبری نیست. به همین دلیل از هر طرف که وارد شوید، می‌بینید کف آن حداقل بین ۳۰ تا ۶۰ سانتیمتر از خیابان کناری پایین‌تر است. در برخی نقاط (مثل ورود از سمت قطعه ۲۴) این اختلاف سطح بیشتر است.

در حال حاضر کف قطعه تا جایی که ممکن بوده نشست کرده و از این به بعد شاهد نشست کردن خاک به داخل قبرها خواهیم بود. در این بین فقط دیواره‌های قبور نشست نکرده‌اند، قرار هم نیست نشست کنند، چون به جای خاک، از بلوک سیمانی و ملات ماسه و سیمان در ساخت آنها استفاده شده و محکم‌ترین نقاط قطعه به شمار می‌روند.

قطعه سوخته

تا قبل از برخوردن به تصویر ماهواره‌ای سوخته قطعه ۴۱، متوجه شده بودیم در ماه‌های ابتدایی سال رویش گیاهان خودرو و علف‌های هرز فقط روی خاک نشست کرده قبور صورت می‌گیرد نه دیوار بین آن‌ها. همین باعث می‌شود قبرهای بدون سنگ، با کمی دقت در تصاویر ماهواره‌ای، مشخص و حتی قابل شمارش شوند.

اشخاص بسیاری از این قطعه به عنوان «قطعه اعدامی‌ها» یا «لعنت‌آباد» یاد می‌کنند اما بین کارمندان، کارگران و مسئولان بهشت زهرا به نام دیگری مشهور است: «قطعه سوخته». مدتی طول کشید تا متوجه شدیم چرا این قطعه را «سوخته» می‌نامند.

در برخی عکس‌ها که از داخل قطعه گرفته بودیم، وجود ردّ سوختگی روی تنه درختان و گیاهان خودرو در سطح قطعه قابل مشاهده بود. با دیدن عکس‌ها و رؤیت سطح قطعه این سؤال برای ما مطرح شد که بعد از شکستن سنگ‌ها و پنهان کردن آدرس قبرها و اشخاص مدفون در آن‌ها و از بین بردن تقریباً تمام نشانه‌ها، سوزاندن گیاهان کف و درختان سطح قطعه چه دلیلی دارد؟

دو جواب احتمالی به ذهن ما رسید:

- وقتی سنگی در کار نباشد، خانواده‌ها، از سر ناچاری، با شمارش درختان و قدم‌های طی شده در جهت‌های مختلف محل هر قبر را مشخص می‌کنند. با قطع کردن، خشکاندن یا سوزاندن درخت‌ها امکان این کار از بین می‌رود.
- با رویش گیاهان، تعداد و مکان بسیاری از قبرهای پنهان شده بی‌سنگ در تصاویر ماهواره‌ای مشخص خواهد شد. سوزاندن گیاهان روییده بر سطح قطعه و به هم ریختن ترتیب سطح آن امکان انجام چنین کاری را از بین می‌برد.

برای آتش‌زدن و سوزاندن قطعه از سه روش می‌توان استفاده کرد:

- ۱. استفاده از مواد اشتعال‌زای سریع همچون بنزین. نقطه‌قوت آن اشتعال سریع و نقطه‌ضعف آن عمر کوتاه آتش است.
- ۲. استفاده از مواد اشتعال‌زای ماندگارتر همچون نفت یا گازوئیل. شعله ناشی از آن‌ها به شدت بنزین نیست اما بیشتر و دیرتر می‌سوزند و باعث شعله‌ور شدن مساحت بیشتری می‌شوند.
- ۳. استفاده از شعله‌پخش‌کن گازی. این کم‌خطرترین و موثرترین راه برای آتش زدن گیاهان و سوزاندن تنه درختان است، اما زمان بیشتری نسبت به دو روش قبلی می‌برد. با این حال نتیجه بهتری دارد.

آتش‌زدن در طول روز و زمان اداری باعث جلب توجه مردم و تجمع آن‌ها در اطراف قطعه می‌شود. در ضمن دود برخاسته از آتش از کیلومترها دورتر توجه هر کسی را جلب خواهد کرد. بهترین زمان برای سوزاندن قطعه، از تعطیلی بهشت‌زهرا تا بازشدن آن در روز بعد (از اذان مغرب تا اذان صبح) است که زمان بیشتری در اختیار مجریان این کار قرار می‌دهد. تاریکی هوا نیز مانع از مشاهده دود توسط مردم می‌شود.

در هر حال، قطعه ۴۱ را «قطعه سوخته» می‌نامند. اعدام‌شدگان سال‌های پس از برآمدن حکومت جمهوری اسلامی در قطعات مختلفی دفن شده‌اند، اما هیچ‌یک از قطعات بهشت‌زهرا به این صورت به آتش کشیده نمی‌شود.

مهندسی با چاشنی تنفر

مرموزترین اقدامی که در این قطعه شده، یک دستکاری تمام‌عیار مهندسی و باحوصله در تغییر روند چینش درختان آن طی دهه‌های گذشته است. در برخی قطعات، درخت‌های داخل به‌صورتی کاشته شده‌اند که بالا و پایین هر دو قبر یک باغچه به عرض ۴۰ سانتیمتر وجود دارد؛ همچون قطعات ۴۲ و ۳۹.

در قطعات ۳۵ و ۳۸ که شبیه ۴۱ هستند، درخت‌های داخل در جهت مخالف کاشته شده‌اند و در فاصله هر دو ردیف درخت ۱۰ قبر کنار یکدیگر قرار گرفته است. برای مثال در قطعه ۳۵ شاهد ۱۸ ردیف درخت و ۱۷۰ ردیف قبر در بین درختان داخل قطعه هستیم. قطعه ۳۵ بین سایر قطعات بهشت‌زهرا شبیه‌ترین قطعه به ۴۱ است، تا حدی که می‌توان آن را قطعه «همسان» (Identical) قطعه ۴۱ نامید.

همچون ردیف درخت‌های داخل قطعه ۳۵ باید ۱۸ ردیف درخت در کل قطعه ۴۱ کاشته شده باشد و دارای ۱۷۰ ردیف قبر باشد. با این حال اگر دو خط صاف، از اولین و آخرین ردیف درختان موجود در قطعه ۳۵ تا قطعه ۴۱ رسم کنید، متوجه می‌شوید چهاردهمین ردیف درختان قطعه ۳۵ دقیقاً در ادامه خط کشیده‌شده روی ردیف نهم و آخرین ردیف از درخت‌های قطعه ۴۱ است؛ یعنی پنج ردیف درخت در قطعه ۴۱ ناپدید شده‌اند.

این نوع چینش باعث می‌شود هر بیننده‌ای فرض کند در مساحت فعلی قطعه فقط ۸۰ ردیف قبر وجود دارد، در حالی که باید ۱۴ ردیف درخت و ۱۳۰ ردیف قبر در آن‌جا موجود باشد. این دستکاری در قطعه با دقت در تصاویر ماهواره‌ای و مقایسه تصاویر قطعه ۴۱ با قطعات ۳۵ و ۳۸، که از نظر ابعاد شبیه قطعه ۴۱ و از لحاظ چینش درخت‌ها منظم‌تر از قطعه ۴۱ بودند، مشخص شد.

مشخص نیست این حرکت از چه زمانی شروع شده، اما تأثیر آن بر حافظه تصویری خانواده افراد دفن شده در این قطعه غیرقابل انکار است. این کار به مرور باعث اشتباه‌هایی خواهد شد که با تغییر محل درختان قطعه، نشانه‌های تصویری محل دفن متوفی خودشان را یا نمی‌بینند و یا آن‌ها را جابه‌جا و در محلی دیگر مشاهده می‌کنند. همین باعث اشتباه آن‌ها در یافتن قبر و تعیین محلی اشتباه برای فاتحه‌خوانی یا عزاداری خواهد شد. با سوزاندن، جابه‌جایی و قطع مداوم درخت‌ها معلوم نیست هر خانواده سر قبر کدام متوفی یا اعدام‌شده فاتحه می‌خواند.

برای تشخیص محل قبلی باغچه‌های داخلی و دستکاری قطعه باید به خطوط روشن بدون رویش گیاه در کنار درختان فعلی داخل قطعه به عرض تقریباً یک متر دقت کنید. آن خطوط پهن و تقریباً سفیدرنگ مکان سابق باغچه‌های داخل قطعه هستند که اکنون مشخص نیست زیر آن‌ها چه خبر است.

در قطعات عادی، فاصله بین باغچه‌های داخلی ۱۰ متر است. در قطعه ۴۱ حتی متوفیان عادی نیز از این دستکاری در امان نمانده‌اند. به جز سه ردیف درخت ابتدایی (از سمت قطعه ۴۳ و قبل از شروع دفن اعدام‌شدگان) فاصله بین باغچه‌های داخلی همگی بیش از ۱۰ متر است. این فاصله در سه ردیف انتهایی قطعه به ۱۴ متر هم می‌رسد. یعنی وجود حداقل ۱۴ قبر در جایی که باید فقط ۱۰ قبر وجود داشته باشد. چنین موردی در هیچ‌یک از قطعات بهشت زهرا دیده نمی‌شود.

چنین کاری تعداد قبرها را کم یا زیاد نمی‌کند، اما می‌تواند باعث شود مراجعانی که از کنار قطعه عبور می‌کنند، تعداد کل قبرهای قطعه را کمتر از آنچه هست تصور کنند.

قطعه ۴۱ و قبر دسته‌جمعی

حداقل در قسمتی که امروزه از این قطعه باقی مانده، قبر دسته‌جمعی وجود ندارد. قبرهای این قطعه تک‌نفره هستند با عمقی در حدود ۱۳۰ سانتیمتر که ۴۰ تا ۵۰ سانتیمتر آن برای قراردادن جنازه و خشت‌های سیمانی در نظر گرفته شده و حداقل ۷۰ سانتیمتر باید روی آن خاک ریخته شود تا مانع پراکنده شدن بوی تجزیه جنازه (اصطلاح پزشکی قانونی آن «فساد نعشی» است) در محیط شود.

آن سال‌ها در بهشت زهرا مشکل کمبود زمین برای حفر قبر وجود نداشت، به همین دلیل دفن دو نفر در یک قبر بعید به نظر می‌رسد.

دیوارهای بین قبور این قطعه با بلوک سیمانی برپا شده است. در تصاویر شاهد فرونشست خاک قبرها هستیم اما دیوار بین قبرها ریزش نداشته است. از همه مهم‌تر، بر اساس تصاویر ماهواره‌ای ردّ عبور خودرو (باتوجه به فاصله لاستیک‌ها، وانت‌هایی از جنس پیکان، تویوتا، مزدا یا نیسان) در دست کم سه قسمت از این قطعه به چشم می‌خورد که کارشان تخلیه سنگ قبرهای شکسته شده است.

گورهای دسته‌جمعی فاقد دیوار هستند و به‌صورت کانال حفر می‌شوند. در این کانال‌ها، خاک روی اجساد، مدتی پس از دفن و با تجزیه جنازه، دچار ریزش و نشست می‌شود و قادر به تحمل وزن خالی خودروها هم نیست، چه رسد به وزن پر از سنگ قبر آن‌ها.

تعداد قبور در قطعه ۴۱

قطعه ۳۵ دارای ۱۷۰ ردیف و ۵۸ شماره است، بنابراین باید ۹۸۶۰ قبر داشته باشد. با کسر بریدگی گوشه‌هایش، ظرفیت واقعی این قطعه ۹۴۸۵ قبر است که همین عدد را می‌توان برای قطعه ۴۱ نیز در نظر گرفت. پس از کسر مساحت سرویس بهداشتی و ساختمان قدیمی ۱۴۰ متری داخل قطعه ۴۱ می‌توان، با اندکی احتیاط، ظرفیت کامل این قطعه را ۹۵۰۰ قبر در نظر گرفت.

تبدیل بی‌دلیل خیابان بین قطعات ۲۴ و ۴۱ به بلوار و نیمه‌مدفون بودن آخرین شماره‌های سالم در قطعه ۴۱ (شماره ۵۵ به بعد) زیر تلی از خاک، این احتمال را ایجاد می‌کند که برخی قبرهای قطعه ۴۱ در هنگام تبدیل خیابان به بلوار زیر خاک و آسفالت مدفون شده باشند.

زخم همیشه‌باز

اراده نظام حفظ قطعه ۴۱ به همین صورت است؛ نه تخریب و گودبرداری کامل و فروش قبور آن به‌عنوان یک قطعه جدید و نه مرمت سطح قطعه و صدور اجازه کار گذاشتن سنگ قبر برای خانواده‌های دفن‌شدگان.

این قطعه زخمی ۴۵ ساله و روباز است که اراده‌ای برای درمان یا حتی پانسمان آن به چشم نمی‌خورد. تخریب و سوزاندن درختان هم در حال نتیجه‌دادن است و با مراجعه به تصاویر ماهواره‌ای می‌توانید لاغرتر شدن و از بین رفتن درختان داخل قطعه را مشاهده کنید. شاید این‌جا را به‌عنوان محلی برای عبرت گرفتن مخالفان نگه داشته باشند تا به آن‌ها بفهمانند هر حرکتی علیه جمهوری اسلامی با چنین عواقبی همراه خواهد بود.

تا زمان سر کار بودن این نظام بعید است بتوان جزئیات بیشتری از حقایق موجود و مربوط به این قطعه را کشف کرد یا به اثبات رساند. با این حال امیدواریم دیگران با ابزار و اطلاعاتی بیشتر از ما و عملکردی بهتر از ما این کار را ادامه دهند. در بهشت‌زهرا وقوع بسیاری از مسائل بعید به نظر می‌رسد، اما در این نظام هیچ چیز محال نیست.